



چرخش مسیر قاچاق مواد مخدر به شمال و آفریقا

در حالی که کشفیات بیش از ۳۰۰ تن مواد مخدر از ابتدای امسال نشان از فشار سنگین شبکه‌های قاچاق دارد، معاون مقابله با مواد مخدر تأکید می‌کند مسیر سنتی ترانزیت محموله‌های افغانستان به اروپا که از ایران عبور می‌کرد، تغییر یافته و بخشی از قاچاقچیان مسیرهای تازه‌ای از کشورهای شمالی و همچنین خطوط در یایی به سمت آفریقا را فعال کرده‌اند.

به گزارش «جوان»، سردار مرتضی میرزایی، معاون مبارزه با مواد مخدر ستاد مبارزه با مواد مخدر، با اشاره به کشف بیش از ۳۰۰ تن مواد مخدر از ابتدای سال گفت: «به تازگی همکاران ما محموله ۲ تنی شیشه را که از افغانستان وارد کشور شده بود، توقیف کردند.»

او با تشریح تغییرات جدید در مسیرهای ترانزیت مواد مخدر افزود: «تا سال گذشته مسیر قابل توجهی از مواد مخدر افغانستان از طریق ایران به سمت اروپا هدایت می‌شد، اما با اقدامات قاطع مقابله‌ای، اکنون بنابر اطلاعات موجود، قاچاقچیان مسیرهای تازه‌ای را از کشورهای همجوار شمالی ایران برای رسیدن به اروپا فعال کرده‌اند. همچنین مسیر دریایی تازه‌ای برای انتقال مواد مخدر به سمت کشورهای آفریقایی باز شده است.»

دود اعلام ناقص استانداری تهران به چشم خبرنگاران رفت

برخلاف سال‌های قبل که دارندگان طرح ترافیک یک‌ساله می‌توانستند در روزهای اجرای طرح زوج و فرد از درب منزل تردد کنند، امسال این افراد مانند سایر شهروندان مشمول جریمه ۲۰۰ هزار تومانی شده‌اند، آن هم بدون هیچ گونه اطلاع رسانی قبلی از سوی استانداری! به گزارش تسنیم، اول آذر ماه و همزمان با تصویب کار گروه اضطرار آلودگی هوای استان تهران، طرح زوج و فرد از درب منزل در پایتخت به اجرا درآمد، خبرنگاران و دارندگان طرح ترافیک سالانه تصور می‌کردند همچون سال‌های قبل تردد آن‌ها مشمول جریمه نخواهد شد. برداشتی که نه تنها طبیعی بود، بلکه مبتنی بر رویه سال‌های گذشته و حتی اعلام پلیس مبنی بر اینکه دارندگان طرح سالانه مانند سال‌های قبل جریمه نمی‌شوند، شکل گرفته بود، اما برخلاف پیامک‌های قبلی که اعلام می‌کرد شما به محدوده طرح زوج و فرد ورود کرده‌اید و این موضوع در حال بررسی است (که البته انتظار می‌رفت مه‌اند سال‌های قبل و براساس اعلام پلیس بعد از بررسی جریمه‌ای اعمال نشود)، یکی از خبرنگاران پیامک ثبت جریمه دریافت کرد!

جریمه‌ای که در نگاه اول عجیب بود و با رویه سال‌های قبل همخوانی نداشت! در پیگیری‌هایی که خبرنگار تسنیم انجام داد، مشخص شد کمیته اضطرار آلودگی هوا امسال تصمیم گرفته‌است همه افراد، حتی کسانی که طرح ترافیک سالانه دارند مشمول جریمه زوج و فرد شوند. این یعنی نه تنها خبرنگاران، بلکه همه دارندگان طرح سالانه در تمام روزهای اجرای زوج و فرد با جریمه شده‌اند یا خواهند شد. این تصمیم در حالی اتخاذ شده که هیچ اطلاع رسانی شفافی از سوی استانداری تهران انجام نشده‌است. نه در اطلاعیه‌ها، نه در مصاحبه‌ها، نه در برنامه‌های تصویری و نه در توضیحات رسمی، کوچک‌ترین اشاره‌ای به این موضوع نشده که «امسال دارندگان طرح ترافیک سالانه مستثنی نیستند» و مانند دیگر شهروندان جریمه می‌شوند.

این پرسش جدی اکنون مطرح است چرا استانداری تهران، به عنوان رئیس کار گروه اضطرار آلودگی هوا، چنین تغییر مهمی را شفاف اعلام نکرده‌است؟ خبرنگاران در روزهایی که بسیاری از ادارات و مراکز تعطیل بودند، همچنان برای تهیه خبر، حضور در جلسات، تولید گزارش پوشش رویدادهای تازجر به تردد بدون هیچ اطلاع رسانی شفاف و رسمی اجرا کرده‌است. تردشان مشکلی ندارد، اما امروز، با دریافت پیامک جریمه و روشن شدن تصمیم جدید کمیته، مشخص شد که اطلاع رسانی ناقص استانداری، خبرنگاران را در موقعیت آسیب‌پذیر قرار داده‌است.

استانداری تهران باید توضیح دهد که چرا یک تغییر مهم در سیاست‌های ترافیکی، تغییری را که مستقیماً هزاران نفر از جمله خبرنگاران را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بدون هیچ گونه اطلاع رسانی شفاف و رسمی اجرا کرده‌است. استانداری همچنین باید روشن کند چرا اطلاعیه‌ها ناقص بوده و چرا درباره لغو معافیت دارندگان طرح سالانه هیچ توضیحی ارائه نشده‌است. این پرسش نیز مطرح است که آیا پیامک‌های جریمه صادر شده صحیح هستند یا نیاز به بازنگری دارند؟ چرا پیش از اجرای طرح، به رسانه‌ها و خبرنگاران که در هر وضعیتی موظف به فعالیت و تردد هستند اطلاع رسانی ویژه صورت گرفته‌است؟ در شرایطی که تصمیم‌های ترافیکی هر روز بر زندگی مردم اثر می‌گذارد، شفافیت از سوی استانداری یک نه مطالبه اضافی، بلکه حق شهروندان و رسانه‌هاست.

کشف مجسمه انسان در شورآباد

کشف مجسمه و چند قطعه، استخوان انسانی در نزدیکی مرز کزباپروزی سروش در منطقه شورآباد حکایت از آن دارد که بقایای کشف شده متعلق به یک انسان است و تیم جنایی برای شناسایی هویت قربانی و روشن شدن علت مرگ تحقیقات خود را آغاز کرده‌است.
ظهر سه‌شنبه، ساکنان منطقه شورآباد هنگام عبور از اراضی اطراف مرگ کزباپروزی سروش با مجسمه و قطعاتی از استخوان‌های انسان روی خاک رها شده‌بود، و به‌روشن شدند. آنان بلافاصله با مرکز فوریت‌های پلیسی تماس گرفتند و موضوع را گزارش کردند. به دنبال اعلام این خبر، تیمی از مأموران کلاstrی و کار آگاهان جنایی در محل کشف استخوان‌ها حاضر شدند. بررسی‌های اولیه نشان داد مجسمه و چند قطعه استخوان متعلق به یک انسان است و مدتی از مرگ صاحب آن می‌گذرد. کمی دورتر از محل کشف استخوان‌ها، لباس‌هایی پراکنده روی زمین دیده شد که احتمال می‌رود متعلق به قربانی باشد. آثار پوسیدگی روی بقایای لباس نشان می‌داد مدت زیادی از زماندن آن‌ها در محل گذشته‌است.
با توجه به وضعیت کشف‌شده و نامشخص بودن هویت و علت مرگ، کارآگاهان اجساد کشف‌شده را بدستور بازپرس ویژه قتل برای بررسی‌های تخصصی و تعیین زمان و علت احتمالی مرگ به پزشکی قانونی منتقل کردند. تحقیقات درباره این پرونده ادامه دارد.

■ غلامرضا مسکنی

قتل مرموز زن ۷۴ ساله پولدار در خانه‌اش در تهران، مأموران جنایی را با معمای پیچیده‌ای روبه‌رو کرد، معمایی که با کشف یک سرخ‌ظریف در فیلم‌های دوربین مداربسته، مأموران را به فرزند مقتول به عنوان قاتل رساند. شامگاه سه‌شنبه، اعضای خانواده‌ای در تهران با مراجعه به پلیس اعلام کردند مادر سالخورده‌شان در خانه‌اش به طرز مرموزی به قتل رسیده‌است.

با اعلام این خبر، تیمی از مأموران راهی محل حادثه در یکی از خیابان‌های شمالی شهر شدند و در فضای پدربایی خانه با جسد خونین زن ۷۴ ساله‌ای روبه‌رو شدند که بر اثر اصابت ضربه چاقو به قتل رسیده بود.

خبر قتل زن سالخورده به بازپرس ویژه قتل دادسرای جنایی پایتخت گزارش شد و وی دقایقی بعد همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی و کارشناسان تشخیص هویت در محل وقوع جنایت حاضر شد و تحقیقات خود را آغاز کرد.

■ خانه به‌هم‌ریخته، گاوصندوق باز و انگیزه سرقت

مقتول زن فروتنندی بود که پس از فوت همسرش سال‌ها تنها زندگی می‌کرد و فرزندانش تنها رفت‌وآمدهای معمولی به خانه او داشتند. بررسی صحنه حادثه،

■ ورشکست شدم

قاتل، مرد ۵۰ساله‌ای است که برای جبران ورشکستگی‌اش تصمیم می‌گیرد اموال مادرش را سرقت کند، اما در جریان این سرقت، دستش به خون مادرش آلوده می‌شود.

■ بهراد اعتقادی؟

نه، هیچ اعتقادی ندارم و نه هیچ‌شده که سادرت را به قتل رساندی؟

من فقط می‌خواستم اموال مادرم را سرقت کنم، اما ناخواسته مرتکب قتل شدم. چرا تصمیم به سرقت گرفتی؟ به پول نیاز داشتم و تحت فشار شدید اقتصادی بودم.

برای چه کاری این پول را لازم داشتی؟

به‌هم‌ریختگی وسایل خانه و باز بودن گاوصندوق نشان می‌داد قتل با انگیزه سرقت انجام شده‌است.

عامل جنایت پس از قتل زن سالخورده، تمام طلاها، جواهرات و پول‌های داخل گاوصندوق را به‌همراه تعداد زیادی از وسایل عتیقه گرانهقیمت به سرقت برده و فرار کرده بود.

■ اظهارات فرزند مقتول

یکی از فرزندان مقتول به تیم جنایی گفت: «مادرم در خانه‌اش تنها زندگی می‌کرد، اما با ما رفت‌وآمد داشت. ساعتی قبل با او کاری داشتم که هر چه با تلفن همراهش تماس گرفتم، جواب نداد. نگران شدم و به خانه‌اش رفتم، با کلید در را باز کردم و با صحنه هولناکی روبه‌رو شدم. مادرم خونین و بی‌جان وسط پذیرایی افتاده بود. او تمام جواهرات، سکه و پول‌هایش را در گاوصندوق نگه می‌داشت که مشخص شد سارق گاوصندوق را باز کرده و همراه آنها تعداد زیادی ظروف عتیقه و نقره سرقت کرده‌است.»

■ بررسی فنی و سرخ‌مهم همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی برای آزمایش‌های لازم، کارآگاهان جنایی بررسی دقیق محل حادثه را آغاز کردند. نخستین یافته‌ها نشان می‌داد قاتل فردی آشنا بوده، چراکه بدون تخریب قفل و کلید وارد خانه شده بود.

در ادامه، مأموران دوربین‌های مداربسته

وضع مالی‌ا قبالاً خیلی خوب بود. تاجر بودم و لوازم بدکی خودرو وارد می‌کردم. با پدرم کار می‌کردم و تاوقتی پدرم زنده بود همه چیز مرتب پیش می‌رفت، اما بعد از فوت او، کارم از هم پاشید و ورشکست شدم. خیلی از دوستانم سرم کلاه گذاشتند و فرار کردند و من ماندم و کلی بدهی بیکار شده بودم و به پول نیاز داشتم. یکی از پسرهایم در اروپا درس می‌خواند و همیشه برایش پول می‌فرستادم. او اخیراً از من بورو خواسته بود، اما پولی در بساط نداشتم. پسر دیگری هم نامزد کرده بود و باید برایش مراسم عروسی می‌گرفتم. هزینه عروسی زیاد بود و توان پرداختش را نداشتم.

چرا از مادرت نخواستی به تو کمک کنی؟

چند روز قبل از حادثه پیش مادرم رفتم و از او کمک خواسته، اما فقط یک سکه به من داد.

حوا لات

سرویس حوادث ۸۵۳۳۰۶۰

ردیای یک تیک عصبی

راز قتل مادر ثروتمند را فاش کرد



اطراف محل حادثه را بررسی کردند. تصاویر، مردی را نشان می‌داد که صورتش را با پارچه پوشانده بود. او با کلاه کاسکت وارد خانه می‌شود و چند دقیقه بعد با عجله و در حالی که اموال سرقتی را همراه دارد از محل خارج می‌شود.

هرچند چهره قاتل مشخص نبود، اما کارآگاهان در بازبینی دقیق تر به نکته ظریفی پی بردند، نحوه راه رفتن مرد ناشناس نظر کارآگاهان را به خودش جلب کرد. این فرد با حالتی خاص و شبیه افراد دارای تیک حرکتی قدم برمی‌داشت. همین سرخ مأموران را به سمت افراد نزدیک به مقتول هدایت کرد.

در ادامه مشخص شد پسر میانسال مقتول به نام بهراد با همین حالت خاص راه می‌رود. اعضای خانواده نیز پس از دیدن تصاویر، شباهت حرکتی را تأیید کردند و بدین ترتیب ظن مأموران به شقیع تبدیل شد و بهراد به عنوان مظنون اصلی قتل مادرش بازداشت شد.

■ اعتراف پسر به قتل مادر

متهم پس از انتقال به اداره پلیس ابتدا منکر ارتکاب قتل شد، اما صبح دیروز وقتی با شواهد و مدارک روبه‌رو شد، لب به اعتراف گشود و با اظهار پشیمانی به قتل مادرش اقرار کرد.

وی پس از اعتراف با دستور بازپرس جنایی برای ادامه تحقیقات در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

یک سکه مشکل مرا حل نمی‌کرد، برای همین تصمیم گرفتم گاوصندوقش را خالی و با پول آن مشکلاتم را حل کنم.

■ از وجود جواهرات و پول در گاوصندوق خبر داشتی؟

بله، پدرم سال‌ها قبل تعداد زیادی سکه عتیقه، جواهرات و الماس خریده بود و داخل گاوصندوق نگاهداری می‌کرد. می‌دانستم بیش از ۱۰ میلیارد تومان پول، دالار و طلا در آن است. همین باعث شد وسوسه شوم. من قصد نداشتم، اما سرقت به جنایت منجر شد.

■ شب حادثه چه اتفاقی افتاد که قتل رخ داد؟

آن شب صورتم را پوشاندم، کلاه کاسکت گذاشتم و وارد خانه مادرم شدم. او را تهدید کردم رمز گاوصندوق را بدهد، اما مرا شناخت. درگیری بین ما پیش آمد و ناخواسته او را به

قتل رساندم.

■ چطور تو را شناخت؟

از نحوه راه رفتنم و از صدایم.

■ چرا راه رفتنت خاص است؟

مدتی پیش بیمار و دچار تیک عصبی شدم. همین باعث شده راه رفتنم حالت خاصی داشته باشد.

■ اموال سرقتی را چه کردی؟

همه را داخل یک کیف رمزداري گذاشتم و به خانه دوستم بردم. به او گفتم تعدادی ظروف عتیقه پیدا کرده‌ام و آنها را در خانه‌اش گذاشتم. قرار بود بعد از مراسم ختم مادرم آنها را پس بگیرم، اما خیلی زود شناسایی و دستگیر شدم.

■ فکر نمی‌کردی دستت رو شود؟

نه.

■ حرف آخر؟

خیلی پشیمانم.

چگونه تهران به کاهش ۲۲درصدی سرقت رسید؟



حسین فصیحی

دبیر گروه حوادث

کاهش ۲۲درصدی سرقت در هشت ماهه امسال در تهران، تنها یک عدد خشک در گزارش‌های اداری نیست؛ نشانه‌ای است از اینکه مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ، اجتماعی و انتظامی می‌تواند واقعاً امنیت شهری را بهبود بخشد. تهران با همه پیچیدگی‌های جمعیتی و وسعت جغرافیایی‌اش، امروز نمونه‌ای روشن از پیوند پیشگیری اجتماعی و مداخله انتظامی است،

پیوندی که در عمل نتیجه داده‌است. یکی از اصلی‌ترین دلایل کاهش سرقت، حضور مرتب پلیس در محلات، پاکسازی مناطق جرم‌خیز و تاووم طرح‌های پیشگیرانه در خیابان‌ها، پارک‌ها و مراکز تجمع بوده‌ است. افزایش گشت‌های روزانه و استفاده از نیروهای واکنش سریع در نقاط حساس، سرعت عمل پلیس در شناسایی و مقابله با مجرمان را بالا برده‌است.

کاهش سرقت تنها با مهار سارقان ممکن نیست؛ چرخه سرقت زمانی می‌شکند که مانع‌ها نیز تحت نظارت قرار گیرند. برخورد با ابزارهای خرید و فروش اموال مسروقه، انهدام چند شبکه حرفه‌ای و شناسایی مخفیگاه‌های تردد مجرمان، نقش مهمی در افت آمار داشته‌است.

استفاده از نیروهای ویژه در نقاط پرخطر، برگزاری جلسات آموزشی منظم درباره شیوه‌های جدید سرقت و رعایت اصول حرفه‌ای در کنترل مجرمان سابقه‌دار، از دیگر میخ‌های محکم این ساختار پیشگیرانه‌است. این آموزش‌ها باعث شده پلیس با رفتار و ترندهای تازه سارقان چند قدم جلوتر بایستد.

باید در نظر داشت هیچ طرح امنیتی بدون حضور مردم کامل نمی‌شود. افزایش همکاری شهروندان با پلیس، گزارش‌دهی سریع و توجه به هشدارهای امنیتی در فضاهای حقیقی و مجازی، حلقه مهمی از این زنجیره بوده‌است.

از سوی دیگر، آموزش عمومی - به‌ویژه در مدارس و شبکه‌های اجتماعی - به ارتقای مسئولیت فردی و حساسیت اجتماعی کمک کرده‌است.

صنوف با نصب دوربین‌های مداربسته و مشورت با کارشناسان انتظامی، سهم قابل توجهی در ایمن‌سازی محیط‌های کسب‌وکار داشته‌اند. در کنار آن، کدگذاری قطعات خودرو و افزایش امنیت فنی وسایل نقلیه، یکی از مهم‌ترین دلایل کاهش سرقت‌های مرتبط با خودرو به شمار می‌رود. از موضوعات دیگر که در کاهش آمار سرقت مؤثر بوده، سامانه‌های نظارت تصویری در ورودی‌های شهر، نقاط پرتردد و مناطق حاشیه‌ای است که پلیس را در رصد رفت‌وآمدهای مشکوک توانمند کرده‌است. هرچند برخی مناطق هنوز نیازمند تجهیز فوری هستند، اما همین میزان توسعه نیز تأثیر محسوسی در پیشگیری داشته‌است. سرقت، صرفاً یک مسئله انتظامی نیست؛ ریشه‌ها و پیامدهای اجتماعی دارد. از این رو، جلسات منظم میان نهادهای فرهنگی، آموزشی، رسانه‌ها و شوراهای محلی، برای تولید محتوای آگاهی‌بخش و تقویت فرهنگ پیشگیری، بخشی از این روند تأثیرگذار بوده‌است. از تولید کلیپ‌های آموزشی گرفته تا برنامه‌های رسانه‌ای با موضوع خودحفاظتی، همه در تغییر رفتار جمعی نقش داشته‌اند. ارتقای روشنایی معابر، جمع‌آوری تعمیر رفتار جمعی نقش داشته‌اند. ارتقای روشنایی معابر، جمع‌آوری و شواهدی که به ارتقای امنیت محلی، کنترل تولید محتوای آگاهی‌بخش و تقویت فرهنگ پیشگیری، بخشی از این روند تأثیرگذار بوده‌است. از تولید کلیپ‌های آموزشی گرفته تا برنامه‌های رسانه‌ای با موضوع خودحفاظتی، همه در زمینه‌های جرم‌خیز همراه شده‌اند.

کاهش شکمگیر سرقت در تهران حاصل یک اقدام واحد نیست؛ نتیجه یک منظومه هماهنگ است. پلیس، دستک‌های اجرایی، رسانه‌ها، اصناف، مدارس و مهم‌تر از همه شهروندان، هر یک نقشی در این روند ایفا کرده‌اند. امنیت پایدار زمانی به‌دست می‌آید که فرهنگ پیشگیری در جامعه نهادینه شود؛ وقتی مردم، نهادهای و نیروهای انتظامی کنار هم بایستند، حتی در شهری با ابعاد تهران نیز می‌توان منحنی جرم را به عقب راند.

رسید خرید سارقان در صحنه سرقت جاماند

■ جلال مهرگان

وقتی کار آگاهان با پیگاه یکم پلیس آگاهی به صحنه سرقت رسیدند، هیچ خبر غیرعادی نبود؛ نسه ردپای واضحی، نه شواهدی و نه سرنخی قابل اتکا جز یک رسید خرید بانکی که به‌طوری مشکوک روی زمین جا مانده بود. همین کاذب کوچک، نقطه شروع یک تعقیب و گریز ۱۰۰ ساعته شد که در نهایت دو سارق حرفه‌ای را زمینگیر کرد. به گزارش «جوان»، پرونده وقتی گشوده شد که صاحبخانه‌ای در شمال تهران با مراجعه به پلیس اعلام کرد هنگام بازگشت از سفر کوتاه، پنجره خانه تخریب و بخشی از اموالش سرقت شده‌است. بررسی اولیه نشان می‌داد سارقان با موتورسیکلت کلیک سفیدرنگ وارد حیاط شده و بی‌صدا اموال را خارج کرده‌اند. اما سرخ اصلی، نه بیرون خانه بود و نه میان آثار تخریب شده، بلکه چیزی بود که سارقان ناخواسته پشت سر گذاشته بودند؛ یک رسید پوز بانکی که هیچ ارتباطی با صاحبخانه نداشت.

کارآگاهان با ردپای شماره درج شده روی رسید، به یک ابزارفروشی رسیدند. فروشنده شهادت داد که چند مرد ناشناس با پرداخت ۱۰۰ هزار تومان یک جفت دستکش خریدند، دستکی که می‌توانست کارآگاهان را به نشانی در جنوب تهران هدایت کرد. در پارکینگ همان ساختمان، موتورسیکلت سفید استفاده شده در سرقت پیدا شد. لحظاتی بعد، مأموران دو مرد در نزدیکی یک سوپرمارکت مشاهده کردند؛ پوشش و ظاهرشان بی‌شباهت به تصاویر احتمالی نبود. پرونده علناً به شعبه سوم بازپرس دادسرای ناحیه ۱۳۴ راجع شد و دستور عملیات فوری صادر شد.

صبح ۲۵ آبان، حلقه محاصره تنگ شد. یکی از سارقان، ساسان هنگام تردد با همان موتورسیکلت رؤیت شد. او به محض دیدن پلیس پا به فرار گذاشت، تعقیبی که بیش از ۲ کیلومتر ادامه یافت و با شلیک تیرهای ششدر و در نهایت اصابت گلوله به پای متهم پایان یافت و ساسان زمینگیر شد.

کارآگاهان در رنگ به مخفیگاه‌وی رفتند و هاشم، برادر و همدست او را نیز دستگیر کردند. در بازرسی از موتورسیکلت و منزل آنها، مقادیر طلا، ساعت‌های سرفتی، سکه‌های قدیمی و انواع ابزار تخریب شامل دیلم، پیچ گوهشی و انبرقفلی کشف شد. ساسان برای درمان به بیمارستان امام سجاد(ع) فرجا منتقل شد و تحقیقات درباره سرقت‌های مشابه دیگر ادامه دارد. پرونده‌ای که با رسید بانکی ساده آغاز شد، به کشف یک بانده حرفه‌ای رسید.

اعتراف پسر ناخلف به قتل پدر

بوی یک جنایت خانوادگی از همان دقایق نخست، در کوچه‌های دولت‌آباد پیچیده‌بود؛ وقتی گزارش «مرگ مشکوک» مردی سالخورده به به مرکز فوریت‌های پلیسی رسید، کارآگاهان اداره دهم

می‌دانستند با حادته‌ای ساده روبه‌رو نیستند.

وقتی کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی با دریافت گزارش قتل وارد خانه‌ای در دولت‌آباد شدند، سکوت سنگین صحنه تنها با نقش بسته‌شدن رد خون روی کف اتاق شکسته شد. مردی با چراحات عمیق و متعدد ناشی از ضربات قهه روی زمین افتاده بود؛ نشانه‌هایی که از یک درگیری پر تنش و خشن درون خانواده خبر می‌داد.

تحقیقات از همان لحظه آغاز شد. همسر مقتول که هنوز شوک حادثه را باور نکرده‌بود، با صدایی لرزان به کارآگاهان گفت: «مدت‌ها بود پسرمرام حال روحی خوبی نداشت... با پدرش اختلاف داشت... امروز دوباره بحث‌شان شد و بعد... همه

همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل، تحقیقات خود را آغاز کردند.

■ صحنه درگیری شدید و آثار شکنجه

بهم‌ریختگی وسایل خانه، شکسته‌شدن تلویزیون، میز، ظروف و دیگر وسایل نشان می‌داد درگیری شدیدی در خانه رخ داده‌است. همچنین آثار ضرب و جرح و آزار و اذیت روی بدن دختر فوت‌شده حکایت از آن داشت که وی پس از بسته شدن دست و پاهایش مورد شکنجه شدید قرار گرفته و در نهایت به کام مرگ رفته‌است.

■ روایت صاحبخانه از شب حادثه

صاحبخانه که حادثه را به مأموران خبر داده‌بود، در توضیح ماجرا گفت: «من تنها زندگی می‌کنم و شب قبل یکی از دوستانم به نام منصور میهمان من شد. او همراه این دختر به

بازداشت مجرمان افغان با شلیک پلیس

دو مجرم افغان که با موتورسیکلت بدون پلاک در خاوران اقدام به فرار خطرناک از دست پلیس کرده‌بودند، با شلیک هوایی و عملیات تعقیب‌و‌گریز کارآگاهان پلیس آگاهی زمینگیر شدند.

به گزارش «جوان»، در جریان گشت‌رانی هدفمند کارآگاهان گشت آشکار پلیس آگاهی تهران بزرگ، حوالی ساعت ۱۰:۴۵ صبح چهارم آذر، موتورسیکلت فاقد پلاکی با دو سرنشین در محدوده خاوران توجه مأموران را به خود جلب کرد. سرنشینان با کلاه ماسک چهره خود را پوشانده بودند و همین موضوع ظن اولیه نیروهای پلیس را برانگیخت. سرهنگ مرتضی ایمانی، معاون عملیات ویژه پلیس آگاهی پایتخت درباره جزئیات ماجرا گفت: «اصدور فرمان توقف از طریق بلندگو و هشدارهای قانونی را کم موتورسیکلت نه‌تنها توقف نکرد، بلکه با سرعت غیرمجاز و حرکات بسیار خطرناک وارد خیابان‌های فرعی شد و جان شهروندان را به خطر انداخت.» او ادامه داد: «با توجه به وضعیت پرخطر تعقیب، مأموران در چار چار قانون به کارگیری سلاح، دو تیر هوایی در محدوده امن شلیک کردند تا مسیر فرار کنترل شود.» پس از طی مسافتی، موتورسیکلت متوقف شد، اما راکب تلاش کرد به‌صورت پیاپی فرار کند که با واکنش سریع کارآگاهان ناکام ماند. هر دو نفر بدون خسارت جانی مایالی دستگیر شدند.

بررسی اولیه نشان داد متهمان که خود را با نام‌های مستعار «وید» و «پهرام» معرفی کرده‌بودند، اتباع افغان هستند و موتورسیکلت مورد استفاده آن‌ها نیز فاقد اصالت بوده و به پارکینگ منتقل شد.